

Language Contact as an Educational Catalyst for a native Persian Language Student: Effect of Loanwords Semantic change in the 7th-grade Arabic textbook

Fatemeh Sahrayi Sarmazdeh¹  Roshanak Azari² 

¹Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) F.Sahrayi@cfu.ac.ir

²Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran. b.aghaeinejad1@gmail.com



Abstract

Contact linguistics is a new interdisciplinary field that studies the methods and extent of contact between languages. The most common method of language influence is lexical exchange. According to Thomason & Kaufman's hypothesis Persian and Arabic are at the first level of language mixing. Although they belong to two different language families, they have influenced each other in the area of lexical exchange. Many Arabic loanwords have undergone semantic changes upon entering the Persian language. The purpose of this descriptive study with a quantitative approach was to investigate those Arabic loanwords in Persian that are included in the seventh-grade Arabic language curriculum. The results showed that the frequency of Arabic loanwords in the text, relative to the total of Arabic words in lessons is 16%, approximately $\frac{1}{5}$ of the textbook. Accordingly, 94% of the loanwords were nouns and 6% were verbs. This research studied the type of semantic changes of loanwords in the textbook. Three methods of borrowing were observed in the curriculum: equivalent to the original meaning (95.5%), semantic narrowing (3.7%), and semantic widening (2.3%). However, loanwords that had undergone semantic shift were not found in the research corpus. The absence of the latter type of loanword indicates the authors' awareness in selecting words for textbooks to facilitate second language learning.

Keywords: Arabic Loanwords, Contact Linguistics, Second language acquisition, Semantic Change, Seventh Grade Arabic textbook, language mixing.



Date Received: 1404-021-2 Revision date: 1404-03-18 Date of admission 1404-05-27 Online publication date: 1404-07-20

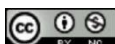
Citation of this article: Azari, Roshanak; Sahrayi Sarmazdeh, Fatemeh (1404). Language Contact as an Educational Catalyst for a native Persian Language Student: Effect of Loanwords Semantic change in the 7th-grade Arabic textbook. Research in Arabic language and literature education, 7(2), pp. 104-123. 

Publisher: Farhangian University

© the authors

[http:// amozesharabi.cfu.ac.ir](http://amozesharabi.cfu.ac.ir)

Article type: Research Article



التواصل اللغوي كمحفز تعليمي لمتعلم اللغة الفارسية الأصلي: تأثير التغير الدلالي للكلمات المستعارة في كتاب اللغة العربية للصف السابع

فاطمه صحرايي سرمزده^١، روشنك آزري^٢

^١أستاذة مساعدة، قسم تعليم اللغة العربية وآدابها، جامعة فرهنجيان، طهران، ايران. (المؤلف المسئول) F.Sahrayi@cfu.ac.ir
^٢أستاذة مساعدة، قسم تعليم اللغة الفارسية وآدابها، جامعة فرهنجيان، طهران، ايران. Azariroshanak@gmail.com



الملخص

علم اللغويات التواصلية هو مجال جديد لمتعدد التخصصات يدرس أساليب ومدى التواصل بين اللغات. وقد تأسس في النصف الثاني من القرن العشرين. قدم توماسون وكوفمان (١٩٨٨) الفرضية الأكثر شهرة لتواصل اللغات على ثلاثة مستويات. الطريقة الأكثر شيوعاً لتأثير اللغات، في ظروف التجاور، هي التبادل المعجمي. وفقاً لفرضية توماسون وكوفمان، تقع اللغتان الفارسية والعربية في المستوى الأول من الاختلاط اللغوي، على الرغم من أنهما ينتميان إلى عائلتين لغويتين مختلفتين، فقد أثرتا على بعضهما البعض في مجال التبادل المعجمي. خضعت العديد من الكلمات العربية المستعارة لتغيرات دلالية عند دخولها اللغة الفارسية. تدرس هذه الدراسة الوصفية ذات النهج الكمي، أنواع الكلمات المستعارة العربية في اللغة الفارسية التي تم تضمينها في منهج اللغة العربية للصف السابع المتوسط، بالإضافة إلى أنواع تحولاتها الدلالية من اللغة المصدر إلى اللغة الهدف. كانت وحدة الدراسة هي الاسم والفعل أظهرت النتائج أن معدل استخدام الكلمات المستعارة العربية في النص، مقارنة بالكلمات العربية في الدروس العشرة من الكتاب، هو ١٦٪ وحوالي خمس (١/٥) إجمالي كلمات المدونة. كانت ٩٤٪ من الكلمات المستعارة أسماء و ٦٪ أفعال. أظهر تحديد نوع التحولات الدلالية للكلمات المستعارة العربية في مدونة البحث أن ثلاث طرق للاقتراض تعادل المدلول الأولي (٩٠،٥٪)، والتخصيص الدلالي (٧،٣٪)، والتوسع الدلالي (٢،٢٪). تم تضمينها في المنهج الدراسي؛ ولكن لم يتم العثور على كلمة مستعارة خضعت لتغيير دلالي. التغيير الدلالي هو أحد مصادر الخطأ في فهم معنى الكلمة وله تأثير سلبي على تعلم المتعلمين. نظراً لأن الكلمات المستعارة العربية الأكثر شيوعاً في اللغة الفارسية تنتمي إلى مجموعة تخضع لتغيير دلالي، فإن عدم وجود هذا النوع من الكلمات المستعارة في المنهج الدراسي يشير إلى وعي مؤلفي الكتاب بتداخل التغيرات الدلالية للكلمات المستعارة في اللغة الهدف.

الكلمات المفتاحية: الكلمات المستعارة العربية، التحولات الدلالية، اللغويات التواصلية، تعلم اللغة الثانية، اللغة الفارسية، الاختلاط اللغوي.



تماس زبانی به عنوان کاتالیزور آموزشی برای دانش آموز فارسی زبان: تحولات معنایی و امواژگان عربی در کتاب عربی-زبان قرآن، پایه هفتم

فاطمه صحرایی سرمزده^۱، روشنگ آذری^۲

^۱استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) F.Sahravi@cfu.ac.ir

^۲استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Azariroshanak@gmail.com



چکیده

زبان‌شناسی تماسی علمی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه شیوه و میزان تماس زبان‌ها می‌پردازد و در نیمه دوم قرن بیستم پایه‌گذاری شده است. توماسون و کوفمن (۱۹۸۸) معروف‌ترین فرضیه را برای تماس زبان‌ها در سه سطح ارائه داده‌اند. معمول‌ترین شیوه نفوذ زبان‌ها، در شرایط همجواری، تبادل واژگانیست. زبان‌های فارسی و عربی در نخستین سطح آمیختگی زبانی قرار دارند و اگرچه از دو خانواده زبانی متفاوت هستند؛ در زمینه دادوستد واژگانی در دوره‌های مختلف زبان فارسی، بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند. آمیختگی این دو زبان، منجر به تبادل و امواژه‌های بسیاری گردیده است. بسیاری از امواژه‌های عربی، هنگام ورود به زبان فارسی دستخوش تحولات معنایی شده‌اند. این پژوهش توصیفی با رویکرد کمی، انواع و امواژه‌های عربی در زبان فارسی را که در برنامه درسی زبان عربی هفتم متوسطه گنجانده شده، به همراه انواع تحولات معنایی آن‌ها از زبان مبدأ به مقصد، بررسی می‌کند. واحد بررسی اسم و فعل بود. یافته‌ها نشان داد که میزان کاربرد امواژه‌های عربی در متن، به نسبت واژگان عربی در ده درس کتاب ۱۶٪ و حدود یک پنجم (۱/۵) کل واژه‌های پیکره است. ۹۴٪ امواژه‌ها اسم و ۶٪ فعل بودند. تعیین نوع تحولات معنایی و امواژگان عربی در پیکره پژوهش نشان داد که سه شیوه و امگیری معادل مدلول اولیه (۹۰/۵ درصد)، تخصیص معنایی (۷/۳ درصد) و گسترش معنایی (۲/۲ درصد) در برنامه درسی گنجانده شده است؛ اما امواژه‌ای که دچار تغییر معنایی شده باشد، یافت نشد. تغییر معنایی یکی از خاستگاه‌های خطای درک معنای واژه است و تأثیر منفی بر یادگیری زبان‌آموزان دارد. نظر به اینکه پربسامدترین امواژه‌های عربی در زبان فارسی، به گروهی تعلق دارد که دستخوش تغییر معنایی می‌شوند، عدم وجود این نوع از امواژه‌ها در برنامه درسی، نشان از آگاهی مؤلفین کتاب از تداخل تغییرات معنایی و امواژه‌ها در زبان مقصد دارد.

واژه‌های کلیدی: وام واژگان عربی، تحولات معنایی، زبان‌شناسی تماسی، یادگیری زبان دوم، کتاب درسی عربی هفتم متوسطه، آمیختگی زبانی.



۱. مقدمه

موضوعات مربوط به چندزبانگی^۱، کاربرد آن در گروه‌ها و کل اجتماع، یادگیری زبان و استفاده از آن، تنوع زبانی، کاربرد زبان خلاق و همچنین هویت زبانی که جزوی از هویت اجتماعی و برقراری ارتباط در یک جامعه زبانیست، موضوعات روز علمی و مباحث مورد توجه هستند. یکی از جنبه‌های زبان که پیوسته و در هر جا به چشم می‌خورد، تماس زبانیست (Norval et al., ۲۰۲۰:۲). تماس زبانی زمانی رخ می‌دهد که گویشوران دو یا چند زبان یا گونه‌های زبانی مختلف در تماس با هم قرار بگیرند و بر روی یکدیگر تأثیر بگذارند. مطالعه چگونگی تماس زبان‌ها، زبانشناسی تماسی^۲ نام دارد و با زبانشناسی اجتماعی، زبانشناسی پیکره‌ای^۳ و زبانشناسی صورت‌گرا^۴ در ارتباط است (Hadzibeganovic et al., ۲۰۰۸:۳۲۴۳).

معمول‌ترین شیوه نفوذ زبان‌ها بر یکدیگر، تبادل واژگانیست که پدیده‌ای جدید نیست. برای مثال ورود واژه‌های لاتین، فرانسوی و دیگر زبان‌ها به زبان انگلیسی در مقیاس زیادی، در قرن شانزده و هفده رخ داده است. در بعضی از زبان‌ها واژه‌های قرضی به قدری زیاد می‌شود که تشخیص آن‌ها از زبان اصلی به سختی ممکن است. یک نمونه، زبان ارمنی است که واژه‌های بسیار زیادی از زبان‌های ایرانی وام گرفته است. این امر موجب شد که در مطالعات رده‌شناسی نخستین، زبان ارمنی را به اشتباه جزو زبان‌های هندوایرانی طبقه‌بندی کنند و چندین دهه گذشت تا به‌عنوان شاخه‌ای مجزا از زبان‌های هندواروپایی شناخته شود (Waterman, ۱۹۷۶:۴). نفوذ زبانی ممکن است از حد دادوستد واژه فراتر رود و به تبادل ویژگی‌های اصلی زبان چون ساخت‌واژه و صرف و نحو بینجامد (Tosco, ۲۰۱۵:۱۸).

از عوامل تاریخی برجسته در تماس زبانی غیرمستقیم، می‌توان به عنصر دین اشاره کرد. زبان‌های متون مقدس چون لاتین، عربی و یا پالی^۵، با گسترش ادیان، به کشورهای مختلف جهان راه یافته‌اند. کتاب مقدس مسلمانان، قرآن، به عربی کلاسیک نگاشته شده است. باوجوداینکه تعداد زیادی از کشورهای جهان اسلام، به هیچ‌کدام از لهجه‌های عربی سخن نمی‌گویند؛ عربی کلاسیک، در تماس پیوسته با دیگر زبان‌های جهان اسلام است. این امر به خاطر تعداد بسیار زیاد وام‌واژه‌ها در زبان‌های گوناگون همچون فارسی، ترکی و مالایی^۶ مشهود است. البته تماسی که منجر به دوزبانگی کامل نشود، عوامل خارج زبانی دیگری به جز دین هم می‌تواند داشته باشد که از آن میان می‌توان به مهاجرت، سینما و تلویزیون و دنیای مجازی اشاره کرد (Thomason, ۲۰۰۱:۳).

تداخل زبانی و آمیختگی زبان‌ها یکی از ویژگی‌های بارز ارتباط مفهومی و زبانی بین فارسی و عربی به شمار می‌آید. ورود اسلام به ایران موجب شکل‌گیری ارتباط عمیق و گسترده‌ای در بین این دو زبان گردید و تأثیر متقابلی را به‌ویژه در حوزه واژگان تولید کرد. به‌طور خاص، ورود وام‌واژه‌های عربی به زبان فارسی در دوران نوین، بسیار بیشتر از ورود واژگان فارسی به زبان عربی بوده است. بر اساس تقسیم‌بندی توماسون و کوفمان، زبان فارسی و عربی در نخستین سطح آمیختگی زبانی یعنی تبادل واژگانی هستند (Manfredi & Tusco, ۲۰۱۸:۲).

با توجه به تأثیر عوامل بیرونی بر زبان، هیچ زبانی نمی‌تواند از تأثیرات زبان‌های دیگر مصون بماند. این پدیده به‌وضوح در نتیجه تجارت، سفر، تعاملات اجتماعی، انقلاب‌های سیاسی و دینی و تبادلات علمی و ادبی مشهود است و حتی قصه‌ها و افسانه‌های مختلف ملل به این آمیختگی دامن می‌زنند (بهار، ۱۳۸۰: ۱۱۳). وام‌گیری واژگانی به‌عنوان نشانه‌ای از پویایی و

^۱ Multilingualism

^۲ Contact Linguistics

^۳ Corpus Linguistics

^۴ Formal Linguistics

^۵ Pali (زبان مقدس بوداییان)

^۶ زبانی که در بین بخشی از مردم مالزی و اندونزی گویشور دارد.

توسعه یک زبان تلقی می شود و همه زبان ها در سطح جهانی به نوعی از این روند، مصون نیستند. زبان های فارسی و عربی نیز از این قاعده مستثنی نیستند (عیسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۱).

در رابطه با پیوند ناگسستنی زبان عربی با زبان فارسی باید گفت که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد واژه های پرکاربرد در زبان فارسی ریشه عربی دارد (فرشیدورد، ۱۳۷۶: ۵۶). حضور فراوان وام واژه های عربی در زبان فارسی با وجود خانواده های زبانی متفاوت و اختلاف ساختار زبانی بین عربی و فارسی، مطالعه و تحلیل دقیق روابط واژگانی میان دو زبان فارسی و عربی را برای پیشرفت در آموزش زبان فارسی و عربی ضروری می کند. در برنامه ریزی کتب درسی ایران، کتاب عربی هفتم، اولین کتابی است که در اختیار دانش آموزان پایه هفتم برای یادگیری زبان عربی قرار می گیرد. نگارندگان این مقاله در نظر دارند به بررسی میزان حضور وام واژه های عربی (وارد شده به زبان فارسی)، در متن درسی کتاب عربی هفتم بپردازند. این پژوهش در نظر دارد نقش مثبت یا منفی آموزشی کاربرد وام واژه ها را در متن درسی کتاب عربی هفتم، با رویکرد معنایی بررسی کند.

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

زبان های فارسی و عربی در زمینه تبادله واژگانی تأثیرات متقابل و عمیقی بر یکدیگر داشته اند. پژوهشگران زبان شناسی، اعم از دانشمندان فارسی و عربی زبان و همچنین زبان شناسان غربی، تغییرات ایجاد شده در ساختارهای زبانی این دو زبان را در سطوح مختلفی از جمله ساخت واژه و ساخت جمله مورد مطالعه و بررسی قرار داده اند. پژوهش های آموزشی SLA^۱ (آموزش زبان دوم) نیز در دهه های اخیر جایگاه ویژه ای پیدا کرده است.

پژوهش های مقایسه ای بین زبان های فارسی و عربی که در حیطه وام واژگان عربی و فارسی بوده اند، پیکره های زبانی متنوعی را در زبان فارسی یا عربی پوشش می دهند و به بررسی تفاوت های ساخت واژی و تحولات معنایی از زبان مبدأ به مقصد می پردازند. از آنجاکه پیشینه پژوهشی در مورد حضور وام واژه های عربی در یک متن عربی آموزشی برای دانش آموز فارسی زبان و تأثیر آن در یادگیری زبان دوم مشاهده نشد، پژوهش پیش رو رویکردی متفاوت در بررسی پیکره ای دارد. این پژوهش اهمیت انتخاب وام واژگان را در متون درسی عربی آموزشی برجسته می سازد و با بررسی انواع تحولات معنایی، مشخص می کند چه نوعی از وام واژگان باید بیشترین کاربرد را در طراحی متن آموزشی داشته باشد.

هدف این پژوهش، بررسی کمی و کیفی وام واژه های عربی در زبان فارسی است که در کتاب درسی زبان عربی سال هفتم متوسطه اول، چاپ ۱۴۰۲ استفاده شده اند. به همین منظور، پرسش های اصلی پژوهش به شرح زیر مطرح می شوند:

۱- میزان فراوانی و توزیع وام واژه های عربی در برنامه درسی کتاب عربی هفتم متوسطه اول، چگونه است و بیشتر به کدام مقوله واژگانی تعلق دارد؟

۲. کدام نوع از تحولات معنایی در وام واژه های عربی کتاب هفتم متوسطه مشاهده می شود و این امر چه تأثیری بر آموزش زبان عربی دارد؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

۱-۳-۱. پژوهش های بین المللی:

از پژوهش های نخستین در مورد تماس زبان ها، می توان به کارهای مولر (۱۹۳۳) و دیوری (۱۹۵۶) اشاره کرد که پژوهش های پیکره ای انجام دادند و تنها به زبان های اروپایی پرداختند؛ اما پژوهش های آن ها تنها بر روی یک زبان بود. پژوهش هایی نظیر کارهای مولر و دیوری بسیار زیاد است؛ اما رده شناسی^۲ وام واژه ها، نخستین پروژه ای بود که می خواست با رویکرد رده شناسی،

^۱ Second Language Acquisition

^۲ Typology

روند وام‌گیری واژگانی را روشن کند. در نگاهی کلی، دانشمندان در قرن بیستم تلاش کردند که برون‌دادهای تماس زبانی را بر اساس نوع و شرایط تماس و ویژگی ساختارهای زبان‌های در معرض تماس، طبقه‌بندی کنند. در این زمینه پژوهشی، واینریش^۱ هدف اصلی زبانشناسی تماسی را یافتن صورت‌های خاصی از تداخل می‌داند که از مسائل زبانشناسی اجتماعی موجود در جوامع دوزبانه گرفته تا ویژگی‌های ساختاری خود زبان‌ها تأثیر می‌پذیرد (۱۹۵۳:۸۶). توماسون و کوفمن، در سال ۱۹۸۸، کارآمدترین فرضیه را برای زبان‌شناسی تماسی ارائه داده‌اند. آن‌ها سه سناریوی اصلی را در تماس زبان‌ها با یکدیگر پیشنهاد می‌دهند که در متن اصلی مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

در دهه‌های اخیر، چندزبانگی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از این زوایا تماس زبانیست. موضوع تماس زبان‌ها، با فرهنگ اقوام و مردم‌شناسی پیوند مستقیم دارد. کتاب‌های بسیاری در این زمینه نگاشته شده است. از آن میان می‌توان به «راهنمای مردم‌شناسی زبان‌شناختی» اشاره کرد که مقالات مرتبط با تماس‌های زبان‌شناختی را از دانشمندان قرن بیستم و بیست و یکم در ۶۰۰ صفحه گردآوری کرده است (Durnati, ۲۰۰). همچنین، زبان‌های حوزه کارئیب که جزو زبان‌های کریول (آمیخته) محسوب می‌شوند، بسیار مورد توجه زبان‌شناسان از منظر روند تغییر ساختارهای صرفی و نحوی هستند (Thomason & Kaufman, ۱۹۸۸:۷). زبان عربی نیز جایگاه خاصی در پژوهش‌های بین‌المللی زبانشناسی تماسی دارد و به‌عنوان یک زبان جهانی^۲ شناخته می‌شود. مقالات بسیاری در این زمینه نوشته شده‌اند. کتاب «زبان عربی در تماس با دیگر زبان‌ها»، ویرایش مانفردو^۳ و توسکو^۴ مجموعه‌ای از برترین مقالات بروز در مورد زبان عربی است و در نگارش پژوهش حاضر نیز از آن‌ها بهره گرفته شده است.

پژوهش در زمینه^۵ انواع تغییرات معنایی به هنگام آمیختگی زبانی بسیار است و در گستره‌های گوناگون جغرافیایی، از زبان لاتین و یونانی گرفته تا ماندارین، کانتونی^۵، مالایی، روسی، اسپانیایی، صربی-کرواتی، لهستانی، سواحیلی، زبان‌های بانتو^۶ و... تنوع دارد. تعداد زیادی از این پژوهش‌ها در مورد تماس زبان انگلیسی یا عربی با زبان‌های دیگر است. جان پری^۷ (۲۰۰۴)، در مقاله خود با نام «حیطه واژگانی و معنایی وام‌واژه‌های عربی در زبان فارسی و فراتر»، زبان فارسی و ترکی را نمونه‌های برجسته نفوذ زبان عربی به خاطر ورود اسلام و تغییر خط می‌داند^۸. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهند که در یک پیکره ادبی فارسی معمولی با بیست هزار واژه، چهل درصد از واژگان، وام‌واژه‌های عربی هستند که البته این آمارگیری شامل ترکیب‌های عربی-فارسی و مشتقات نمی‌شود. همچنین، در این مقاله به تفاوت میزان کاربرد وام‌واژه‌های عربی در دوره‌های تاریخی گوناگون زبان فارسی اشاره می‌شود.

از دیگر سو، تماس زبان‌ها با یکدیگر، جنبه‌های آموزشی دارد. در حیطه بین‌المللی، تمرکز اصلی بر آموزش زبان انگلیسی و تأثیرات متقابل زبانی در تماس با زبان‌های دیگر است. از آن میان می‌توان به مقاله «کاربرد سودمند زبانشناسی تماسی در بومی‌سازی زبان انگلیسی در زبان مقصد» نوشته زبان‌شناس صربستانی، پرسیک^۹ (۲۰۱۴) نام برد. این مقاله بر کاربرد دائمی واژه‌ها و اسامی انگلیسی و استانداردسازی آن‌ها به‌صورت بومی (مطابق با ساختارهای بومی زبان مقصد) به دلیل تماس با زبان‌های دیگر تمرکز دارد. ورستیگ^{۱۰}، دانشمندی هلندی است که بر تماس زبان عربی با زبان‌های دیگر و آموزش آن در

^۱ Weinreich

^۲ Global Language

^۳ Manfredo

^۴ Tosco

^۵ Cantonese یکی از زبان‌ها خانواده سین-تبت که در چین، هنگ کنگ و ماکائو گویشور دارد.

^۶ Bantu languages این زبان‌ها در افریقای جنوبی، کنگو و زیمبابوه گویشور دارند.

^۷ John Perry

^۸ در این مقاله به تأثیرپذیری با واسطه زبان هندی از زبان عربی به خاطر زبان فارسی که چند قرن زبان رسمی و ادبی هندوستان بوده اشاره می‌شود.

^۹ Prsic

^{۱۰} Kees Versteegh

کشورهای اسلامی تمرکز دارد. از پژوهش‌های او می‌توان به مقاله «یادگیری زبان عربی در جهان اسلام» اشاره کرد. ورستیگ در این پژوهش شیوه‌های برنامه‌ریزی درسی برای آموزش زبان عربی را در کشورهای مختلف، به عنوان زبان مادری یا زبان دوم بررسی می‌کند.

۲-۳-۱. پژوهش‌های ملی:

در مورد تماس زبانی عربی با زبان فارسی، پژوهش‌های بسیاری با رویکردهای گوناگون نگاشته شده است. این پژوهش‌ها از تحولات آوایی و ساخت واژه گرفته تا معناشناسی و آموزش زبان دوم یا ترجمه را پوشش می‌دهند. هاشمی و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله «انطباق آوایی وام‌واژه‌های عربی در زبان فارسی»، با رویکرد واج‌شناسی، به بررسی واج‌هایی در وام‌واژه‌های عربی می‌پردازند که هنگام تلفظ در زبان فارسی، بومی‌سازی می‌شوند و تغییر می‌کنند. نتیجه پژوهش آنان نشان می‌دهد که فرایند جایگزینی، پربسامدترین فرایند واجی دخیل در انطباق واژه‌های وام‌واژه‌های زبان عربی است.

السح و طاهری (۱۳۹۷)، در مقاله «بررسی تحول معنایی واژگان دخیل عربی در زبان فارسی»، به بررسی تحولات و گسترش معنایی وام‌واژه‌های عربی پرداخته و عوامل خارج زبانی چون تحولات سیاسی و اجتماعی و نیاز جامعه را در این تحولات مؤثر دانسته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد، علت ذهنی که از علل داخلی زبان است، بر اساس مجاورت دو معنی در ذهن رخ می‌دهد که شامل مجاز و انواع آن می‌شود یا بر اساس مشابهت دو معنی حاصل می‌گردد که همان مجاز به علاقه مشابهت (استعاره) است. در مقاله «تداخل زبانی و دگرگونی وام‌واژه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن بر ترجمه از عربی»، پژوهشگران به تفاوت‌های کاربردی واژگان دخیل و تفاوت ابعاد نشان‌داری آن‌ها در زبان فارسی و مشکلات ترجمه می‌پردازند (۱۳۹۴).

عیسی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تأثیرات تداخل واژه‌های عربی بر یادگیری فارسی آموزان عربی‌زبان»، با بررسی نتایج جامعه آماری پژوهش خود، نشان می‌دهند که تحولات معنایی واژگان عربی واردشده به زبان فارسی، تأثیر منفی در فراگیری زبان فارسی برای عرب‌زبانان دارد.

از دیگر پژوهش‌های مرتبط می‌توان به پژوهش آصف و مهدوی (۱۴۰۰) اشاره کرد که در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر وام‌واژه‌های عربی بر ساختار نحوی زبان فارسی» به تحلیل تغییرات ساختاری در زبان فارسی ناشی از وام‌گیری واژه‌ها پرداخته‌اند. این تحقیق بر این باور است که ورود وام‌واژه‌ها می‌تواند به تغییرات نحوی در جمله‌ها و گفتمان‌های زبان فارسی منجر شود. همچنین، مقاله «شناسایی و تحلیل وام‌واژه‌های عربی در زبان ادبیات معاصر فارسی» نوشته‌ی رضایی (۱۴۰۱) به بررسی کاربردی وام‌واژه‌های عربی در ادبیات معاصر فارسی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این واژگان به غنای ادبیات و زبان فارسی کمک کرده‌اند.

طاهری و غفوریان (۱۳۴۱) در پژوهش «نقش کاربرد وام‌واژه‌های عربی و فارسی در آموزش زبان فارسی مطالعه موردی فارسی آموزان عرب‌زبان» قصد دارند تا ضمن بیان نوع تحول وام‌واژه‌ها به‌ویژه وام‌واژگان عربی در فارسی نشان دهند که چگونه مدرسان می‌توانند با شناخت این واژگان از آن‌ها به عنوان یک تکنیک مؤثر در آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان استفاده کنند. علاوه بر این، بسیاری از مقالات آموزشی دیگر به تحلیل و بررسی وام‌واژه‌های عربی در زبان فارسی می‌پردازند و تمرکز خود را بر کتاب‌های درسی زبان فارسی قرار داده‌اند. این مطالعات به‌ویژه به شناسایی الگوهای کاربردی این وام‌واژه‌ها و تأثیرات آن‌ها بر فرایند یادگیری و آموزش زبان می‌پردازند و نشان‌دهنده اهمیت گسترده این موضوع در پژوهش‌های زبان‌شناسی و آموزشی است. بیشتر مقالات آموزشی که در مورد وام‌واژه‌های عربی در زبان فارسی وجود دارد به کتاب‌های درسی فارسی می‌پردازند و درصدگیری نسبت واژگان فارسی به عربی در متون فارسی است. بررسی پیشینه درزمینه کتب درسی مشخص کرد تاکنون

پژوهشی که به بررسی وام‌واژه‌های عربی در کتاب درسی عربی برای دانش‌آموز فارسی‌زبان بپردازد، انجام نشده است و پژوهش پیش‌رو در نوع خود جدید و بدون پیشینه است.

۴-۱. پیکره و روش پژوهش

پیکره این پژوهش شامل متون درسی کتاب «عربی- زبان قرآن»، سال هفتم متوسطه اول، چاپ ۱۴۰۲، است. این کتاب در ۱۲۴ صفحه و ۱۰ درس تنظیم شده است. روش پژوهش توصیفی- تطبیقی^۱ با رویکرد کمی است. واحد تحلیل این پژوهش درس واژه است. در ابتدا، واژه‌های عربی که به‌عنوان وام‌واژه در زبان فارسی کاربرد دارند، از متن دروس استخراج شدند. سپس، میزان فراوانی وام‌واژه‌های عربی، به تفکیک نوع واژه (اسم و فعل) و درس، در سطح کل کتاب تعیین گردید. تقسیم‌بندی این وام‌واژه‌ها از نظر شیوه تحول معنایی موضوعی حائز اهمیت است که پس از آمارگیری کلی، به آن پرداخته شده است. ملاک مقایسه معنایی وام‌واژه، فرهنگ دو زبانه عربی به فارسی لاروس بود.

در زبان عربی، همچون زبان فارسی، واژه‌ها در سه مقوله اصلی اسم، فعل و حرف تقسیم‌بندی می‌شوند. در این پژوهش دو مقوله اسم و فعل مورد بررسی قرار گرفتند. واژگان استخراج شده، بر اساس درس و نوع مقوله در جدولی ثبت و معادل فارسی آن‌ها در ردیف مجزا ذکر گردید تا میزان پراکندگی اسم و فعل در درس‌ها و نوع تحول معنایی آمارگیری شود. پس از آمارگیری، نتایج سطح تماس زبان فارسی با عربی را بر اساس نظریه توماسون و کوفمن مشخص کردند.

۴-۱-۱. مشکلات در بررسی پیکره پژوهش

یک عامل مهم زبانی که در بررسی تماس زبان‌ها نقش مهمی دارد، طبقه‌بندی زبان‌هاست. زبان‌شناسان با مطالعات تطبیقی و تاریخی، روش‌های نوینی برای رده‌شناسی^۲ دستگاه‌های زبانی ارائه دادند که بر اساس خویشاوندی زبان‌ها بود و آن را خانواده‌های زبانی نامیدند (Hock, ۲۰۱۰: ۶۶). بر اساس رده‌شناسی جهانی، زبان فارسی و عربی تحت یک خانواده زبانی قرار ندارند و در جنبه‌های صرف، نحو و سایر مباحث زبانی تفاوت‌های قابل‌توجهی دارند. زبان فارسی به گروه زبان‌های هندواروپایی و زبان عربی به گروه زبان‌های سامی تعلق دارد (وفایی، ۱۳۹۱: ۲۵).

نکته دیگر آنکه زبان‌های جهان، از نظر ساخت‌واژه^۳ (صرف) به دو گروه کلی تک واژگی^۴ (تک‌هجایی^۵)، مانند چینی و ویتنامی و چندواژگی^۶ (چند هجایی^۷) تقسیم می‌شوند. زبان‌های چندواژگی خود به سه دسته پیوندی^۸، ترکیبی^۹ و بساوندی^{۱۰} تقسیم می‌گردند و در این مورد نیز بین زبان فارسی و عربی تفاوت وجود دارد: زبان فارسی نو جزو زبان‌های پیوندی^{۱۱} و زبان عربی

^۱ زبان‌شناسی تطبیقی دانشی است که روابط حاکم بر زبان‌های هم‌ریشه را بررسی می‌کند. از آنجا که زبان عربی و فارسی از یک خانواده زبانی نیستند، در واقع روش مقابله‌ای انجام می‌شود اما چون موارد اشتراک مورد بررسی است، اصطلاح رایج تطبیقی انتخاب شده است (وفایی، ۱۳۹۱: ۲۴).

^۲ Typology

^۳ Morphology دکتر فرشیدورد این واژه را سازه‌شناسی ترجمه کرده‌اند (۱۳۹۴: ۷۶).

^۴ Mono morphemic

^۵ تک هجایی اصطلاح درستی نیست، چون هر واژه یا واژک (تکواژ) ممکن است بیش از یک هجا داشته باشد (کلباسی، ۱۳۸۰: ۲۶).

^۶ Poly morphemic

^۷ از آنجا که هجا واقعی واج‌شناختی است و کاربرد آن در سطح بررسی‌های صرفی مناسب به نظر نمی‌آید، چندواژگی درست‌تر به نظر می‌رسد (کلباسی، ۱۳۸۰: ۲۶).

^۸ Agglutinative

^۹ Synthetic/ fusional

^{۱۰} Polysynthetic

^{۱۱} در بعضی موارد مانند شناسه‌های فعلی که شخص و شمار با یک شناسه معین می‌گردد، زبان فارسی ویژگی زبان‌های ترکیبی را بروز می‌دهد.

جزو زبان های ترکیبی محسوب می شود. در زبان های پیوندی مرز بین واژکها (تکواژها) مشخص است اما در زبان های ترکیبی تطابق یک به یک میان واژکها و مفاهیم آنها وجود ندارد (کلباسی، ۱۳۸۰: ۲۷).

۱-۵. مبانی نظری پژوهش

۱-۵-۱. رویکرد کلی: زبان شناسی شناختی

رویکرد شناختی^۱ در زبان شناسی، کلیت زبان را شبکه ای می داند که اجزای آن بر اساس روابط منطقی به یکدیگر متصل هستند و این اجزا می توانند مفاهیمی چون «واژه» یا «واج» باشند. بر اساس این رویکرد، مفاهیم زبانی همچون دیگر مفاهیم سازمان می یابد و آموختن آنها نیاز به کسب دانشی دارد که با ساختاری شبکه ای نظم یافته است (Hudson, ۲۰۰۱: ۵۰). بر اساس نظریه مقوله و میزان^۲، همه زبان های جهان از امواج صوتی در گفتار و از نشانه های دیداری در نوشتار به عنوان ماده اولیه استفاده می کنند تا درباره جهان بیرون و دریافت انسان از آن بحث کنند. زبان های مختلف به طور متفاوت بین ماده اولیه خود و جهان بیرون رابطه برقرار می کنند؛ یعنی طرح ها و الگوهای متفاوتی بر ماده اولیه تحمیل می نمایند. اگر ماده اولیه خط باشد^۳، شبکه روابطی که بین ماده اولیه و جهان بیرون وجود دارد، به صورت الگوی پایین خواهد بود. در این الگو دستور و واژگان بر روی هم جنبه صوری^۴ زبان را تشکیل می دهند (باطنی، ۱۴۰۲: ۳۰):

خط (graphic) ← دستگاه خطی (orthography) ← دستور (grammar + واژگان (lexis) ← بافت (context) ← محیط

در دستور، طبقات بسته عمل می کنند و این طبقات بسته، دستگاه های دستوری را در برمی گیرند و انتخاب^۵ را در مفهوم زبان شناسی ممکن می سازند. برخلاف دستور، واژگان به آن قسمت از جنبه صوری زبان گفته می شود که در آن طبقات باز عمل می کنند. طبقات باز در واژگان، دستگاهی به وجود نمی آورند؛ ولی در اینجا نیز انتخاب وجود دارد (باطنی، ۱۴۰۲: ۳۳).

۱-۵-۲. رویکرد اصلی: زبان شناسی تماسی

زبان شناسی تماسی شاخه ای ضروری در زبان شناسی است. پژوهش های این شاخه به جستجوی تغییراتی می پردازد که در ساختار زبان های در تماس با یکدیگر روی می دهد. مهم ترین پژوهش های این زیرشاخه، در حیطه زبانی، وام گیری واژگانی، همگرایی دستوری، کدگردانی^۶، کم رنگ شدن زبان اولیه^۷، زبان های درهم آمیخته و افزایش زبان های کریول^۸ است (Myers-Scotton, ۲۰۰۲: IV). بنابر سنت، لفظ وام گیری بر وام گیری واژگانی اطلاق می شود؛ اما بر اساس تعریف توماسون، «تماس» در این رویکرد، به معنی هرگونه تغییر زبان شناسی است که احتمال دارد در شرایط ویژه تماسی رخ بدهد (Mostafavi et al., ۲۰۲۳: ۳۴۹).

^۱ Cognitive Linguistics

^۲ Scale and category. این نظریه را در آمریکا بیشتر به نام نظریه مقولات می شناسند؛ اما در انگلستان به نام مقوله و میزان معروف است.

^۳ ماده اولیه می تواند آوا نیز باشد.

^۴ Formal aspect

^۵ Alternative

^۶ Codeswitching

^۷ Attrition

^۸ Creole

در اصل به نژاد آمیخته اروپایی با اعقاب سیاه پوست، بویژه از منطقه کارائیب اطلاق می شود. در اینجا منظور زبانی آمیخته از یکی از زبان های اروپایی با زبان های محلی آفریقاییست (دیکشنری آکسفورد).

توماسون و کوفمن (۱۹۸۸) کارآمدترین فرضیه را برای زبانشناسی تماسی ارائه کرده‌اند. آن‌ها سه سناریوی اصلی را در تماس زبان‌ها با یکدیگر پیشنهاد می‌دهند:

۱- پایداری و حفظ زبان مبدأ: عناصر زبان بیگانه با وام‌گیری^۱ به زبان اصلی الحاق^۲ می‌شوند.
۲- تغییر زبان مبدأ به مقصد: با تداخل^۳ زبان بیگانه و ایجاد تغییرات لایه به لایه در زبان مبدأ ایجاد می‌شود. این تغییر در طول چند نسل صورت می‌گیرد.

۳- درآمیختگی زبانی: ایجاد یک نظام زبانی جدید که از درآمیختگی عناصر زبان‌های مختلف در تماس با یکدیگر بوجود می‌آید. این امر منجر به ایجاد زبان‌های کرئول که پیش ازین توضیح داده شد، می‌گردد. فرایند «نیم‌زبان شدگی»^۴ نیز در همین طبقه جا می‌گیرد (Manfredi&Tusco, ۲۰۱۸:۲).

البته؛ در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که نمی‌توان مرز مشخصی بین وام‌گیری و تداخل گذاشت. برای مثال؛ آیخوالد^۵ (۲۰۰۷) وام‌گیری را انتقال هر ویژگی و جنبه‌ای از زبان مبدأ به زبان مقصد، به علت تماس با آن، تعریف می‌کند. این زبانشناس، تداخل را بر دوش کشیدن ناخواسته و غیرعمدی ویژگی‌های زبانی از زبان نخست به زبان دوم می‌داند. بر اساس این برداشت، تداخل را می‌توان زیرگونه وام‌گیری محسوب کرد (۴). بر اساس این تعریف، بررسی وام‌واژه‌ها و ارزیابی نوع وام‌گیری، همیشه روندی مستقیم و روشن ندارد. دو فاکتور عمده در این امر مؤثرند: ۱- فاکتورهای اجتماعی و سوگیری‌ها که بر اساس باور اجتماعی بر شأن و جایگاه زبان وام‌دهنده و تعصب بر خلوص زبان وام‌گیرنده است. ۲- فاکتورهای دستوری؛ برای مثال باور بر اینکه وام‌گیری فعل‌ها از اسم‌ها دشوارتر است، زیرا وام‌گیری فعل از یک زبان بیگانه، نیاز به انطباق‌پذیری دستوری بیشتری نسبت به اسم دارد (Haspelmath, ۲۰۰۹).

پذیرش تماس زبانی^۶ یک زیرشاخه از زبانشناسی تماسی است و بر چگونگی استانداردسازی وام‌واژه و کاربرد پیوسته آن در زبان مقصد می‌پردازد. از آنجاکه پژوهش‌های این رشته غالباً مربوط به آموزش زبان انگلیسی و بومی‌سازی واژه‌های زبان انگلیسی در یک زبان مقصد است، با سرواژه ENFL^۷ شناخته می‌شود ((prcic, ۲۰۱۴:۲۴۴). زبان عربی نیز یکی از زبان‌های جهانی محسوب می‌شود و ردپای واژگان و خط آن در بسیاری از زبان‌های شرق و غرب آسیا و آفریقا وجود دارد (Hakem, ۲۰۲۲:۳۸۲). همین بومی‌سازی در زبان مبدأ برای آموزش زبان عربی نیز قابل تعمیم است. این بومی‌سازی در زبان فارسی، در حیطه واجی و واژگانی مشهود است.

پذیرش تماس زبانی از سه زاویه قابل بررسی است: ۱- جنبه کاربردی: دلایل کاربردی ورود ویژگی‌های زبان مبدأ به مقصد و چگونگی ایجاد پذیرش تماس زبانی را بررسی می‌کند. ۲- جنبه تئوری: به بنیاد پذیرش تماس زبانی و عوامل اصلی مؤثر در آن می‌پردازد. ۳- جنبه آموزشی: روش‌های مؤثر در سیستم آموزشی برای پذیرش تماس زبانی و انتقال و یادگیری زبان مبدأ را بررسی می‌کند (prcic, ۲۰۱۴:۱۴۵).

۲. بحث اصلی: انواع تحولات معنایی وام‌واژگان عربی در زبان فارسی

در همه زبان‌های دنیا، واژگان چه اصیل و چه دخیل باشند، به احتمال زیاد دستخوش تحولاتی نظیر اصلاح و تعدیل در حوزه معنایی می‌گردند. تحولات معنایی در ادبیات به شش گونه تقسیم می‌شوند: گسترش معنایی^۸؛ تخصیص معنایی^۹؛ تغییر

^۱ Borrowing

^۲ Incorporation

^۳ Interference

^۴ Pidginization

^۵ Aikhenvald

^۶ Contact Linguistic Competence

^۷ English as the Nativized Foreign Language

^۸ Widening

^۹ Narrowing

معنایی^۱؛ تعمیم پذیری استعاری^۲؛ تقلیل ارزش معنایی^۳ و ارتقای ارزش معنایی^۴. اگرچه این نام گذاری سنتی محسوب می شود؛ اما هنوز هم برای بیشتر تحولات معنایی قابلیت کاربرد دارد (Al-Athwary, ۲۰۲۲: ۱۰۱۴). در یک تقسیم بندی جدیدتر که مدلی همزمانی، خطی و واضح تر ارائه می دهد، تحولات معنایی به دو گروه تقسیم می شود: ۱- واژه با معنای اصلی و قبل تشخیص^۵ ۲- واژه با معنای ضمنی و دلالتی^۶. این دو گروه نیز خود زیرمجموعه هایی دارند که شامل همان موارد تقسیم بندی سنتی می شود (Moghaddam & Moghaddam, ۲۰۱۳).

اکثر واژه های عربی که به فارسی وارد شده اند، در طول زمان دستخوش تحولات معنایی و ساختاری شده اند (نظری و اسدالله پور عراقی، ۱۳۹۴: ۹۷). در واقع، زبان فارسی برخی از معانی واژگان عربی را به همان شکل وارد دایره واژگانی خود نکرده، بلکه آن ها را به مقتضیات زبانی خود به معانی جدیدی تبدیل کرده است. به ویژه، افعال، اسم های مرکب و صفات فارسی بیشترین تغییرات معنایی و دلالتی را دارند (العلی و طاهری، ۱۳۹۹: ۱۴۰۳). علاوه بر این، واژه های قرضی با نظام واجی زبان قرض گیرنده نیز همگون یا منطبق می شوند یعنی پس از اینکه یک واژه به طور کامل در زبان دیگری جذب شد مانند واژه های معمولی آن زبان تلفظ می شود و مشمول همه قواعد زبان قرض گیرنده می شود (فرشیدورد، ۱۳۹۴: ۱۶۷). در ادامه به چندگونه اصلی از ورود وام واژگان عربی در فارسی، از منظر معنایی، می پردازیم.

۲-۱. معادل مدلول اولیه^۷:

وام واژه های عربی که در زبان فارسی به همان معنای وضع شده در عربی به کار می رود فراوان است. این کلمات در عربی و فارسی بر یک مصداق یا مدلول دلالت دارد (عیسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵). به اعتقاد لاینز^۸ دو واژه در صورتی هم معنی هستند که دارای یک مفهوم باشند. مفهوم به نظام پیچیده روابطی که میان عناصر زبانی - معمولاً واژه ها - وجود دارد مربوط می شود و دربرگیرنده روابط درونی زبان است. لاینز هم معنایی را مفهومی مدرج می داند و سلسله مراتبی برای آن قائل است. مثلاً برای واژه a می توان واژه های هم معنی b, c و d را بر روی پیوستاری در نظر گرفت که به تدریج از b تا d از تشابهات معنایی شان با واژه a کاسته می شود (Lyons, ۱۹۹۵: ۴۴۶). تأثیر عوامل برون زبانی متفاوت بر بار مؤلفه های معنایی، برای نمونه تغییرات در بسامد وقوع واژه ها، به تدریج امکان هم معنایی مطلق^۹ را از میان می برد. از آنجاکه واژه ها نمی توانند به طور قطعی در بافت های مختلف به جای هم جایگزین شوند و همچنین واژه ها به لحاظ معانی عاطفی و شناختی با هم تفاوت دارند، هم معنایی مطلق پدیده ای نادر است (افراشی، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

مقصود از هم معنایی در مفهوم سنتی آن، همواره یکسانی معنی شناختی واژگان است. به نظر پالمر هم معنایی واقعی در میان واژه ها به چندین دلیل وجود ندارد: ۱- تعلق به گونه های زبانی متفاوت ۲- تعلق به سبک های متفاوت ۳- اگر واژه های متقابل^{۱۰} واژه های هم معنی را بررسی کنیم، ممکن است هر یک واژه متقابل ویژه خود را داشته باشند ۴- برخی واژه های هم معنی از لحاظ با هم آیی^{۱۱} تفاوت دارند (افراشی، ۱۳۷۸: ۱۶۸). در تحلیل داده های کتاب عربی هفتم متوسطه نیز منظور از معادل مدلول اولیه یکسانی شناختی واژه ها است. از نمونه های معادل مدلول اولیه می توان به واژه های «بزار» و «وسایل»

^۱ Semantic Shift

^۲ Metaphorical extension

^۳ Pejoration

^۴ Ameloration

^۵ Denotational

^۶ Connotational

^۷ Semantic equivalent

^۸ Lyons

^۹ Absolute Synonym

^{۱۰} Opposite

^{۱۱} Collocation

«پافشاری» و «اصرار» یا «نو» و «جدید» اشاره کرد. در جدول شماره یک نمونه‌هایی از وام واژگان عربی که در زبان فارسی نیز یکسانی شناختی با زبان عربی دارند و در کتاب عربی هفتم به کار رفته‌اند، آمده است:

جدول شماره ۱- نمونه‌های وام‌واژگان عربی معادل مدلول اولیه در کتاب عربی-زبان قرآن، پایه هفتم

معادل مدلول اولیه		
وام‌واژه	برابر فارسی	اختلاف معنایی با زبان عربی
عجیب	شگفت	ندارد
نعمت	موهبت الهی	ندارد
نور	روشنایی	ندارد
کلام	سخن	ندارد
هدیه	تحفه، ارمغان	ندارد
زوجه	همسر	ندارد
مساعده	کمک و یاری کردن	ندارد
مرتفع	بلند	ندارد

۲-۲. توسیع یا گسترش معنا:

گاه تحول معنا به گونه‌ای است که در آن مفهوم اولیه و مدلول قراردادی وسعت پیدا می‌کند و مصادیق دلالت آن بیشتر می‌گردد این نوع تحول معنا توسیع یا گسترش معنایی نامیده می‌شود. این تحول به گونه‌ای است که مصداق کلمه مورد نظر عام‌تر است و می‌تواند در بافت‌های بیشتری به کار رود مراد از گسترش حوزه معنایی این است که تعداد مدلول‌هایی که یک واژه بر آن‌ها دلالت دارد افزایش یافته باشد به دیگر سخن یک واژه معنای خود را گسترش می‌دهد و کاربرد یک واژه نسبت به گذشته وسیع‌تر می‌شود. برای مثال، واژه «تشنج» که در اصل به معنای انقباض و انبساط است، در فارسی با حفظ مدلول اولیه، معنای «نابسامانی در فضای سیاسی» هم به خود می‌گیرد و بدین ترتیب معنا و دلالتش وسیع‌تر می‌شود (گیرتس، ۱۴۰۲: ۸۱). در جدول شماره دو به مواردی از گسترش معنایی وام واژگان عربی به کار گرفته شده در کتاب درسی عربی هفتم اشاره شده است:

جدول شماره ۲- نمونه‌های گسترش معنایی وام‌واژه عربی از کتاب عربی-زبان قرآن، پایه هفتم

گسترش معنایی		
وام‌واژه	برابر فارسی	گسترش معنایی در فارسی
عمل	کار و کنش	به معنای عمل جراحی
عهد	قول و پیمان	به معنای زمانه و دوره تاریخی
رای	نظر و اندیشه	به معنای انتخاب کردن
أمان	بی‌ترسی و بدون بیم بودن	به معنای زنهار دادن نیز به کار می‌رود.

۲-۳. کاهش یا تخصیص معنا:

تخصیص معنا یعنی این که کلمه بخشی از مفهوم عام یا کلی خود را از دست می دهد. تعدادی از واژگان دخیل عربی هنگام ورود به زبان فارسی دچار محدودیت می شوند و بر طبق نیاز جامعه این واژه ها در سطح خاص و محدود به یک معنا دلالت پیدا می کنند. به عنوان نمونه، در بین واژگان قرضی عربی «قول» به معنای «سخن و گفتار» است، حال آنکه در زبان فارسی تنها به معنای «سخن و عهد همراه با پیمان» کار می رود. این واژه در زبان فارسی معنایش تخصیص پیدا کرده است؛ یا واژه «بلوغ» در زبان عربی به معنای «رسیدن به همه چیز» است اما در زبان فارسی تخصیص یافته و به معنای «رسیدن به سن رشد» است (عامری، ۱۳۹۵: ۹۸). در کتاب عربی هفتم نیز واژگانی که در این تقسیم بندی قرار بگیرند وجود دارند. به تعدادی از این موارد در جدول شماره سه اشاره می شود:

جدول شماره ۳- نمونه هایی از تخصیص معنایی وام واژه عربی در کتاب عربی- زبان قرآن، پایه هفتم

تخصیص معنایی		
وام واژه	برابر فارسی	کاربرد معنایی در عربی
أدب	پرهیخت	در عربی به معنای ادبیات نیز هست.
مدرسه	مکان درس خواندن	در عربی به معنای جریان فکری نیز هست.
العجلة	شتاب	در عربی به معنای چرخ نیز کاربرد دارد.
علم	پرچم	در عربی به معنای اسم خاص نیز هست.
السلام	درود	در عربی به معنای صلح و آرامش نیز هست.
علماء	دانشمندان	در فارسی فقط به علمای دین تخصیص یافته است.

۲-۴. تغییر معنا و مدلول:

گاهی در جریان وام گیری واژگان، معنا و مدلول حفظ نمی شود و هنگام انتقال واژه به زبان دوم یا مقصد دستخوش تغییر معنا می شود. واژه ممکن است کاملاً معنای خود را از دست بدهد یا اینکه احساس جدیدی را تداعی کند. شاید بتوان گفت پربسامدترین واژه های دخیل عربی در زبان فارسی، واژگانی است که دچار تغییر معنایی شده است. تغییر معنایی به دو گونه کامل^۱ و جزئی^۲ صورت می گیرد (عیسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵). در گونه کامل، وام واژه های عربی در معنایی کاملاً متفاوت و مختلف از معنای اولیه خود در زبان عربی به کار گرفته می شوند. این گروه از پربسامدترین واژه های عربی در فارسی به شمار می آیند. برای مثال کلمه «ادویه» در زبان عربی به معنای «داروها» است؛ حال آنکه در زبان فارسی به معنای «چاشنی غذاها» به کار می رود. یادگیری و به خاطر سپردن این دسته از لغات توسط زبان آموز به دلیل تداخل زبان مادری مشکل تر از سایر

^۱ Full Shift

^۲ Partial Shift

واژه‌هاست (طاهری و غفوریان، ۱۴۰۱: ۱۴). باوجوداینکه پربسامدترین وام‌واژه‌های عربی در زبان فارسی، به گروهی تعلق دارد که دستخوش تغییر معنایی می‌شوند؛ در کتاب درسی عربی-زبان قرآن، پایه هفتم، از این نوع وام‌واژگان به چشم نمی‌خورد. عدم وجود این نوع از وام‌واژه‌ها در کتاب آموزشی، نشان از آگاهی مؤلفین کتاب از تداخل تغییرات معنایی وام‌واژه‌ها در زبان مقصد دارد.

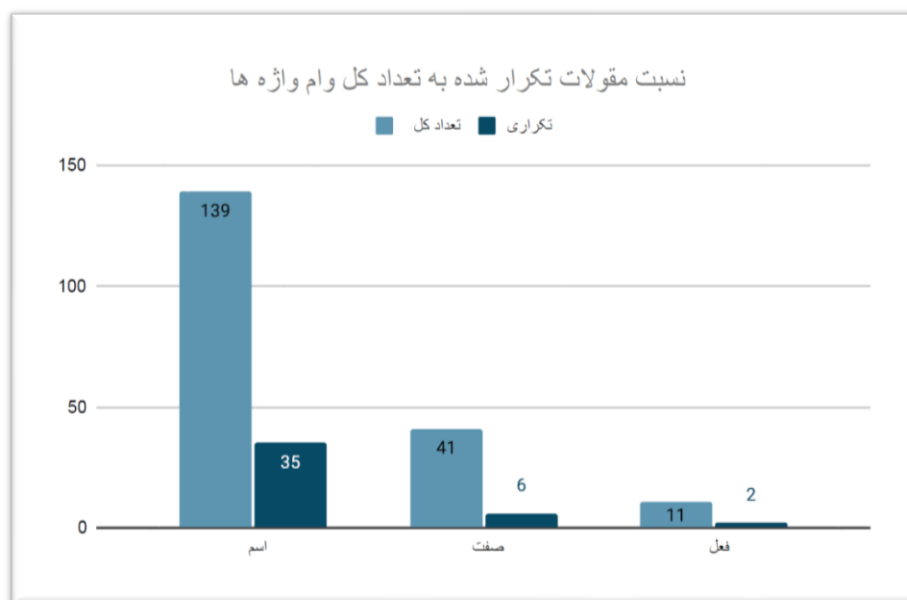
۳. یافته‌ها:

۱۲۰۰ کلمه تعداد کل اسم و فعل متون دروس عربی هفتم هست. کلاً ده درس در کتاب درسی است که بعضی از آن‌ها چند قسمت جداگانه دارند. تعداد ۱۹۱ اسم و فعل از وام‌واژه‌های عربی در زبان فارسی، در کتاب عربی هفتم شمارش شد که ۴۳ واژه آن تکراریست. در جدول شماره چهار، مقوله فعل، اسم و حرف به تفکیک بخش‌ها آمده است.

جدول شماره ۴- تفکیک مقوله‌های دستوری (وام‌واژه‌ها) به تفکیک دروس

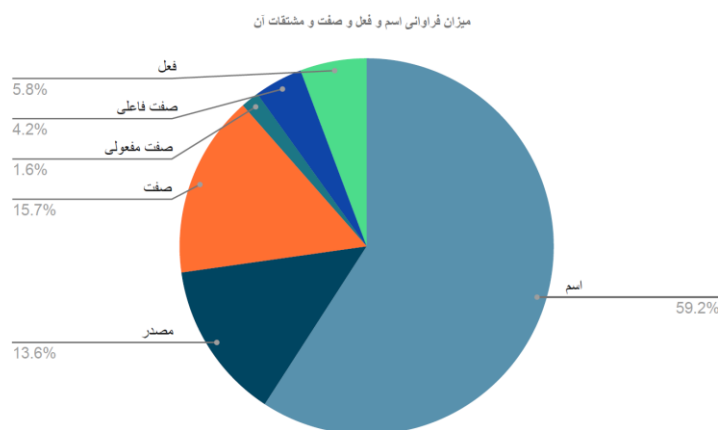
درس	اسم	فعل	حرف
درس اول، بخش اول	۶۱	ندارد	۱
درس یک، بخش دوم	۴۸	ندارد	۷
درس یک، بخش سوم	۵۲	ندارد	۵
درس دوم، بخش اول	۴۴	ندارد	۱۸
درس دوم، بخش دوم	۶۳	ندارد	۱۵
درس دوم، بخش سوم	۵۰	ندارد	۷
درس دوم، بخش چهارم	۳۹	ندارد	۲۵
درس دوم، بخش پنجم	۵۲	۴	۱۵
درس سوم	۹۱	ندارد	۲۲
درس چهارم	۶۵	۲۲	۳۳
درس پنجم	۵۷	۱۴	۹
درس ششم	۷۲	۸	۲۰
درس هفتم	۹۳	۱۲	۴۳
درس هشتم	۸۶	۳۴	۴۳
درس نهم	۱۰۵	۲۴	۴۷
درس دهم	۱۰۴	ندارد	۳۴

در نمودار میله‌ای شماره یک نسبت مقولات تکرار شده که شامل اسم، صفت و فعل می‌گردد، به تعداد کل وام‌واژه‌ها در درس‌ها نشان داده شده است. از مجموع ۴۳ وام‌واژه تکراری در متن دروس، ۳۵ مورد اسم، ۶ مورد صفت و ۲ مورد فعل بود. نمودار شماره ۱- نسبت مقولات (وام‌واژه) تکرار شده به تعداد کل وام‌واژه‌ها



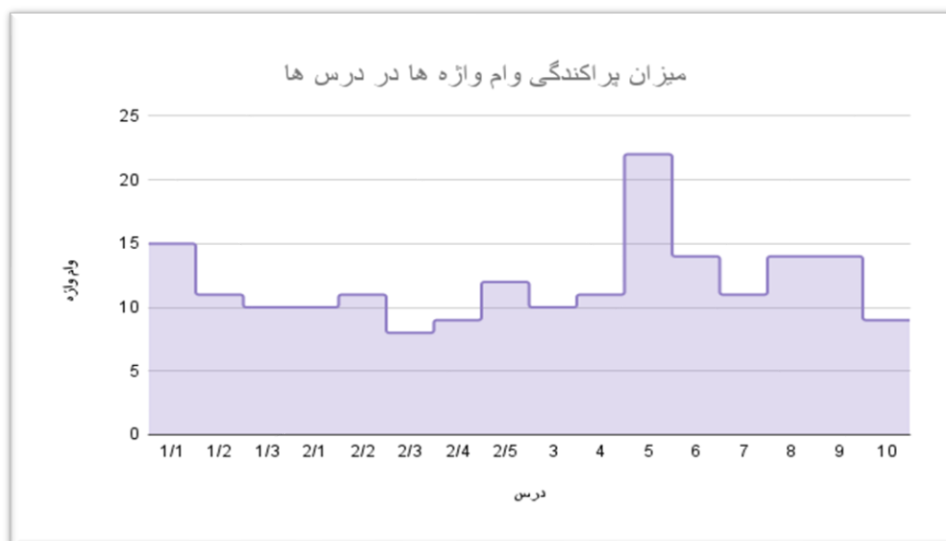
در نمودار دایره‌ای شماره دو، میزان فراوانی مقوله‌ها مشاهده می‌شود. توضیح آنکه درصد کاربرد صفت‌های فاعلی و مفعولی و اسم مصدرها نیز در این نمودار مشخص شده است. ۵۹/۲ درصد از سهم وام‌واژه‌ها به اسم تعلق دارد و با احتساب مصدر که ۱۳/۶ درصد است، درصد کل وام‌واژه‌هایی که نقش اسمی دارند، به ۷۲/۸ درصد می‌رسد.

نمودار شماره ۲- میزان فراوانی مقوله‌های دستوری

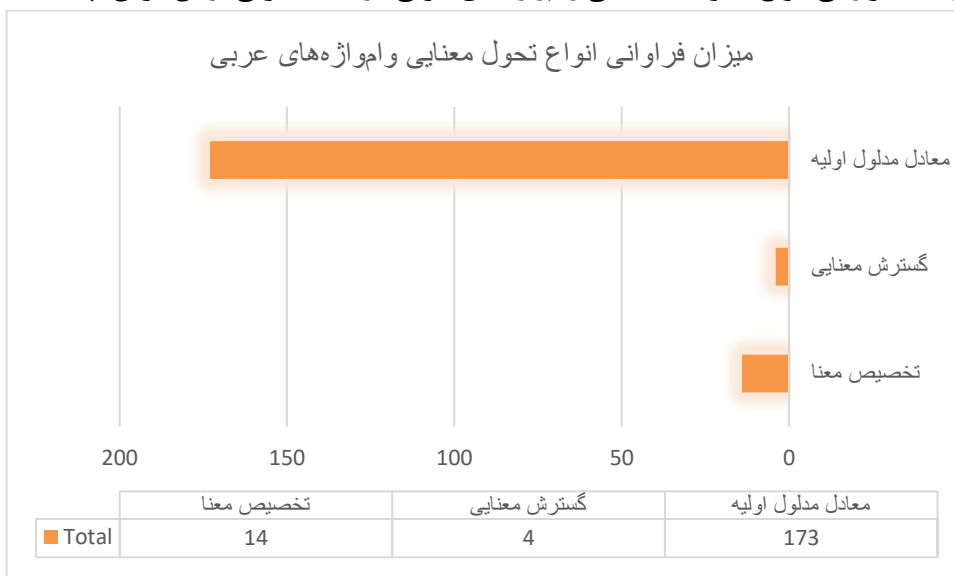


نمودار شماره سه میزان پراکندگی وام‌واژه‌ها را در دروس، به تفکیک بخش‌ها نشان می‌دهد. بیشترین میزان کاربرد وام‌واژه‌های عربی در درس پنجم است.

نمودار شماره ۳- میزان پراکندگی وام‌واژه‌ها در دروس



میزان فراوانی انواع تحولات معنایی در وام واژه های عربی در نمودار شماره چهار مشاهده می شود. از مجموع ۱۹۱ وام واژه، ۱۷۳ وام واژه معادل مدلول اولیه خود در زبان مبدأ وارد زبان فارسی شده اند. ۱۴ واژه تخصیص معنایی دارد و ۴ واژه نیز گسترش معنایی داشته اند. تبدیل یا تغییر کامل معنایی در هیچ کدام از وام واژه های پیکره پژوهش مشاهده نشد. نمودار شماره ۴- فراوانی انواع تحولات معنایی وام واژه های عربی در کتاب عربی- زبان قرآن، پایه هفتم



یافته های نمودار شماره ۴ نشان می دهد که بیشتر وام واژه ها در متن کتاب عربی- زبان قرآن پایه هفتم، از نوع معادل معنای اولیه خود در زبان عربی انتخاب شده اند. این امر دریافت معنای شناختی وام واژه را برای دانش آموز فارسی زبان تسهیل می نماید. همچنین، عدم وجود نمونه ای از وام واژه با تغییر معنایی، موجب کاهش خطای درک معنا برای یادگیرنده زبان دوم خواهد بود.

تحلیل کمی و کیفی متن درسی کتاب «عربی- زبان قرآن»، هفتم متوسطه تأییدیست بر این که بر اساس نظریه توماسون و کوفمن در رویکرد زبانشناسی تماسی، زبان فارسی و عربی در نخستین سطح تماس زبانی یعنی آمیختگی واژگانی قرار دارند. در بررسی کتاب درسی عربی هفتم متوسطه، میزان فراوانی وامواژه‌های عربی در کل متون درسی کتاب، در دو مقوله اسم و فعل به نسبت کل دو مقوله ذکر شده (جمعاً ۱۲۰۰ واژه) در ده درس کتاب، ۱۶ درصد مشخص شد. این آمار نشان می‌دهد که حدود یک پنجم واژه‌های آموزشی در کتاب عربی هفتم متوسطه، برای دانش آموز فارسی زبان، معنای شناختی از پیش آموخته شده دارد. از دیگر سو، در کل متن کتاب درسی، ۴۳ مورد (۲۲/۵ درصد) از وامواژه‌ها تکراری بود که این امر نیز در پیشبرد آموزش تأثیر مثبت دارد.

تحولات معنایی وامواژه‌های عربی که در کتاب هفتم متوسطه مشاهده شد، سه نوع معادل معنایی، گسترش معنایی و تخصیص معنایی بودند. از ۱۹۱ وامواژه موجود در کتاب، بیشترین وامواژه‌ها از نظر معنایی، معادل مدلول اولیه خود بودند که این امر موجب تسهیل فراگیری می‌گردد؛ زیرا دانش آموز به علت کاربرد وامواژه در زبان فارسی، تقریباً با صورت گفتاری آن آشناست. تعداد وامواژه‌هایی که تخصیص معنایی داشتند ۱۴ و آن‌هایی که گسترش معنایی داشتند ۴ مورد بود. بدین ترتیب ۹۰ درصد از وامواژه‌ها با معنای معادل خود در زبان فارسی به کار رفته‌اند.

از وامواژگان عربی در زبان فارسی که دستخوش تغییر معنایی شده‌اند، در کتاب عربی پایه هفتم موردی مشاهده نشد. تغییر معنایی یکی از خاستگاه‌های خطای درک معنای وامواژه‌هاست و تأثیر منفی بر یادگیری زبان آموزان دارد؛ به گونه‌ای که حتی با پیشرفت سطح زبان آموزی، استفاده از معنای اصلی آن بدون درک تغییر معنایی باعث بروز خطا می‌شود. عدم وجود این نوع از وامواژگان نشان می‌دهد که مؤلفان کتاب درسی در انتخاب وامواژه‌ها برای کتاب درسی عربی هفتم متوسطه به مشکلات تغییرات معنایی وامواژه‌ها در زبان مقصد توجه داشته‌اند و گزینشی آگاهانه برای متن دروس انجام داده‌اند. این امر موجب تسهیل آموزش زبان دوم (SLA) می‌گردد.

کتاب‌ها:

- باطنی، محمدرضا. (۱۴۰۲). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ چهل و دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- باقری، مهری. (۱۳۹۶). تاریخ زبان فارسی، چاپ بیست و دوم، تهران، نشر قطره.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۰). سبک‌شناسی، ویرایش جدید، تهران، انتشارات توس.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۹۴). دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۶). عربی در فارسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلباسی، ایران. (۱۳۸۰). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گیرتس، دیرک (۱۴۰۲). نظریه‌های معناشناسی واژگانی، مترجم صفوی، کوروش، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی.
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۱). دستور تطبیقی فارسی-عربی، تهران، انتشارات سخن.

Aikhenvald, A. (۲۰۰۷). Grammars in contact: a cross-linguistic perspective. In A. Aikhenvald and R. M. W. Dixon (eds.), Grammars in Contact: A CrossLinguistic Typology. Oxford: Oxford University Press. ۱-۶۶.

David C. (۲۰۰۳). Language Death. Third printing. Cambridge University Press. England.

Deroy, L. ۱۹۵۶. L'emprunt linguistique. (Bibliothèque de la Faculté de Philosophie et lettres de l'Université de Liège ۱۴۱). Paris.

Duranti, A. (Ed.). (۲۰۰۸). A companion to linguistic anthropology. John Wiley & Sons.

Gazsi, D. (۲۰۱۸). From Arabia to Persia and back. Arabic in Contact, ۳۱۳-۳۳۰.

Hasplemath, M. (۲۰۰۹). Lexical borrowing: Concepts and issues. In M. Hasplemath and U.

Tadmor (eds.). Loanwords in the World's Languages: A Comparative Handbook. Berlin –

New York: Mouton de Gruyter. ۳۵-۵۴. <https://doi.org/10.1015/97831102118442,35>

Hock, H. H. (۲۰۱۰). The continuum Companion to Historical Linguistics. Edited by Luraghi, S. & Bubenik V. Continuum International Publishing Group. New York.

Hudson, R. (۲۰۰۱). Language as a cognitive network. In H. Simonsen & R. Endresen (Ed.), A Cognitive Approach to the Verb: Morphological and Constructional Perspectives (pp. ۴۹-۷۰). Berlin, New York: De Gruyter Mouton. <https://doi.org/10.1015/9783110817461,49>

Lyons, J. (۱۹۹۵). Introduction to Theoretical Linguistics, Vol. I, Cambridge University Press.

Manfredi, S., & Tosco, M. (۲۰۱۸). Arabic in contact, now and then. Arabic in Contact, ۶, ۲-۱۷.

John Benjamins Publishing Company. <https://doi.org/10.1075/sal.6>

Møller, Christen. ۱۹۳۳. Zur Methodik der Fremdwortkunde. København.

Norval, S., & Tonjes, V. (۲۰۲۰). Advances in Contact Linguistics: In Honour of Pieter Muysken.

<https://dspace.kpfu.ru/xmlui/handle/net/180581>

- Myers-Scotton, C. (۲۰۰۲). Contact linguistics: Bilingual encounters and grammatical outcomes. Oxford University Press, USA.
<https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198299530.001.0001>
- Thomason, S. G. (۲۰۰۱). Language Contact. Edinburgh University Press. Scotland.
- Thomason S. G. and T. Kaufman (۱۹۸۸). Language Contact, Creolization and Genetic Linguistics. Berkley: University of California Press.
- Tosco, M. (۲۰۱۵). Arabic, and a few good words about empires (but not all of them). In C. Stolz (Ed.), Language Empires in Comparative Perspective (pp. ۱۷-۴۰). Berlin, München, Boston: De Gruyter. https://doi.org/10.1515/9783110408362_17
- Versteegh, K. (۲۰۱۸). Learning Arabic in the Islamic world. The foundations of Arabic linguistics, ۲۴۵-۲۶۷.
- Waterman, John (۱۹۷۶). A History of the German Language. University of Washington Press.
- Weinreich, U. (۱۹۵۳). Languages in Contact: Findings and Problems. Berlin – New York: Mouton de Gruyter.

مقالات:

- آقاپور، سعید و همکاران (۱۴۰۲). عربی، زبان قرآن- پایه هفتم دوره اول متوسطه، چاپ یازدهم، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، تهران.
- افراشی، آزیتا. (۱۳۷۸). نگاهی به مسئله هم معنایی مطلق در سطح واژگان. نامه فرهنگ. بهار. شماره ۳۴. ۱۷۱-۱۶۶.
- السخ، ماهر؛ طاهری، حمید. (۱۳۹۷). بررسی تحول معنایی واژگان دخیل عربی در زبان فارسی، لسان مبین، ۱۰ (۳۳)، ۱۰۷-۱۲۷
<https://sid.ir/paper/516355/fa>
- العلی، وئام؛ طاهری، قدرت الله. (۱۴۰۳). تحلیل و طبقه بندی تغییرات معنایی واژگان دخیل عربی در زبان فارسی، نشریه پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، ۶ (۱۰)، ۲۱۲-۱۹۷-۲۰۲۵، ۴۰۵۱-
<https://doi.org/10.48310/alle.2025.4051-197-212>
- پاکیزه خو، طوبی. (۱۳۸۸) رابطه دو سویه زبان فارسی- زبان عربی؛ مجله کیهان فرهنگی، ش. ۲۱۹.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۰) وام گیری زبان فارسی از عربی و بالعکس؛ ارائه شده در همایش تأثیر متقابل ادبیات فارسی و عربی، تهران: آبان.
- طاهری، حمید؛ غفوریان، مریم. (۱۴۰۱). نقش کاربرد وامواژه های عربی و فارسی در آموزش زبان فارسی (مطالعه موردی فارسی آموزان عرب زبان). پژوهش نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، سال یازدهم، شمار اول (پیاپی ۲۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۳-۲۸-۱۶۵۸۵، ۱۵۶۸
<https://doi.org/10.30479/jtspol.2022.16585.1568>
- عامری، حیات (۱۳۹۵) وامواژه های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی. مطالعات تطبیقی فارسی و عربی، ۱ (۲): ۱۰۴-۸۷
<http://jcsfa.modares.ac.ir/article-39-22079-fa.html>
- عزیز محمدی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی برخی فرایندهای رایج قرض گیری در زبان فارسی؛ مجله علوم اطلاع رسانی، ۱۸ (۱)، ۷۴-۷۱.

- عیسی، هبه، گل پور، لیلا، و ترکاشوند، فرشید. (۱۳۹۹). بررسی تأثیرات تداخل واژه‌های عربی بر یادگیری فارسی آموزان عربی زبان، پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، ۱۹ (پیاپی ۱۹)، ۷۱-۸۹. <https://sid.ir/paper/۳۸۱۶۶۷/fa>
- نظری، علیرضا؛ اسداله پورعراقی، زهره. (۱۳۹۴). تداخل زبانی و دگرگونی معنایی وام‌واژه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن بر ترجمه از عربی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۵ (۱۳)، ۹۷-۱۱۹. <https://sid.ir/paper/۲۵۹۳۲۲/fa>

Al-Athwary, A. A. (۲۰۲۲). Investigating Semantic Change of Arabic Loanwords in Turkish. *Journal of Language Teaching and Research*, ۱۳(۵), ۱۰۱۴-۱۰۲۲.

DOI: <https://doi.org/۱۰.۱۷۵۰۷/jltr.۱۳۰۵.۱۴>

Hadzibeganovic, Tarik, Stauffer, Dietrich & Schulze, Christian (۲۰۰۸). Boundary effects in a three-state modified voter model for languages. *Physica A: Statistical Mechanics and its Applications*, ۳۸۷(۱۳), ۳۲۴۲-۳۲۵۲.

Hakem, H. (۲۰۲۲). Arabic: A Language Worth a Worldwide Language. *Algerian Scientific Journal Platform (ASJP)*, ۱۳(۲), ۳۸۰-۳۹۴.

Hashemi, E. S., Kambuziya, A. K. Z., Aghagolzade, F., & Golfam, A. (۲۰۱۴). Phonological adaptation of Arabic loan words in Persian: Consonants. *International Journal and Humanities and Social Science*, ۴(۶), ۱.

Moghaddam A. & Moghaddam F. (۲۰۱۳). A Semantic Change Model for French Loanwords in Persian. *Acta Linguistica Asiatica*, ۳(۲), ۷۱-۸۶, <https://doi.org/۱۰.۴۳۱۲/ala.۳.۲.۷۳-۸۸>

Mostafavi, P., Akhlaghi, F., Asadpour, H. (۲۰۲۳). Vocabulary Changes in the Arab, Turk, and Persian Bilingual Societies in Northeastern Iran. In: Rahman, M.M., Al-Azm, A. (eds) *Social Change in the Gulf Region*. *Gulf Studies*, vol ۸. Springer, Singapore. https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/۹۷۸-۹۸۱-۱۹-۷۷۹۶-۱_۲۱

Perry, J. R. (۲۰۰۴). Lexical areas and semantic fields of Arabic loanwords in Persian and beyond. In *Linguistic Convergence and Areal Diffusion* (pp. ۹۷-۱۱۰). Routledge.

Prčić, T. (۲۰۱۴). Building contact linguistic competence related to English as the nativized foreign language. *System*, ۴۲, ۱۴۳-۱۵۴. <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.system.۲۰۱۳.۱۱.۰۰۷>